



برنامه‌ی راهبردی حضرت موسی (ع) برای مبارزه با فرعون و نجات بنی‌اسرائیل از منظر قرآن

محمد امیری (محمد زاده)^۱

چکیده

اندیشمندان حوزه‌ی مدیریت اذعان دارند که در محیط پرتلاطم و پویا حیات و رشد سازمان‌ها بستگی به برنامه‌ریزی دقیق راهبردی و کاربردی دارد. در این تحقیق هدف اصلی کشف فرایند و مؤلفه‌های اساسی برنامه‌ی راهبردی یکی از پیامبران الهی از روزنه‌ی وحی به‌منظور گام برداری در راستای توسعه‌ی دانش مدیریت اسلامی است. پژوهش حاضر، با رویکرد تحلیل مضمون و روش درک قرآن به قرآن سامان یافته و درصدد تبیین جامعیت و جهانی بودن قرآن در این حوزه است. یافته‌ها و نتایج تحقیق حاکی از آن است که این مدیر نظام دینی با طراحی برنامه‌ی راهبردی بر اساس مفروضات بنیادی، گام‌های اساسی استراتژی خود را در تبیین اندیشه، کادر سازی، تشکیل گروه و مبارزه‌ی با رقبا متمرکز نموده و با پیاده‌سازی و ارزیابی راهبردی توانسته است بحران‌ها را پشت سر بگذارد و نظام توحیدی را استقرار بخشد.

واژگان کلیدی: حضرت موسی، برنامه‌ریزی، فرعون، بنی‌اسرائیل، قرآن کریم.

مقدمه

در قرآن کریم درباره‌ی رسالت، مأموریت و برنامه‌های پیامبران (ع) که مدیران و راهبران راه سعادت هستند آیات بسیاری وجود دارد. از باب نمونه به محتوا و مسائل مطرح شده در این آیه دقت شود: «أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (بقره، آیات ۱۵۱-۲۳۹)»؛ پیامبری در میان شما از جنس خودتان فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند و شمارا رشد دهد و پاک کند و به شما، کتاب و حکمت بیاموزد و چیزهایی را که نمی‌دانستید (از گذشته و آینده) به شما یاد دهد. از این آیه شریفه استفاده می‌شود که یکی از اساسی‌ترین تفاوت‌های برنامه‌های انبیا (ع) و آموزه‌های وحیانی با برنامه‌های مطرح در تئوری‌های مدیریت رایج، آن است که محور اصلی آگاهی بخشی یافته‌های بشری علمی است که با تلاش فکری دستیابی به آنها میسر است؛ اما بر اساس «يُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (بقره، آیات ۱۵۱-۲۳۹)»

مدار برنامه‌های پیشوایان آسمانی و آگاهی‌بخشی‌های وحیانی معارفی است که انسان‌ها بدون استمداد از نور وحی نمی‌توانند به آن دست یابند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱، ۴۸). حضرت موسی (ع) یکی از پیامبران بزرگ الهی است و در قرآن کریم به اندازه‌ای از جایگاه والای او سخن گفته شده که درباره‌ی هیچ پیامبری به اندازه‌ی او آیه نازل نشده است. در این معجزه‌ی جاوید پیامبر خاتم (ص) نام کلیم خدا ۱۴۳ بار در ۳۴ سوره ذکر شده و در حدود ۴۲۰ آیه مربوط به ایشان است.

در پژوهش حاضر، تلاش بر آن است که برنامه‌ریزی راهبردی این مدیر و رهبر نظام توحیدی به صورت نظام‌مند از دیدگاه وحی به بررسی گرفته شود. در زمینه پیشینه تحقیق می‌توان گفت با عنایت به اینکه حضرت موسی (ع) یکی از پیامبران اولوالعزم و دارای شریعت مستقل است.

در قرآن کریم نیز عنایت ویژه و خاصی به آن حضرت شده است، به صورت عام در باره حضرت ایشن پژوهش‌های مبسوطی یافت می‌شود ولی با رویکرد مدیریتی و



به صورت خاص درباره‌ی برنامه‌ریزی راهبردی ایشان از منظر قرآن کار نظام‌مندی یافت نشد. ازینرو پژوهش حاضر تلاش نموده برنامه‌ی راهبردی این مدیر و پیشوای آسمانی را با روش تحلیل مضمون و با بهره‌گیری از ادبیات مدیریتی و روش فهم قرآن به قرآن به صورت منطقی به بررسی بگذرد.

مفاهیم و مبانی نظری

برای درک درست چِستی، چرایی و چگونگی مفاهیم و مبانی و مرام مطلوب، در قدم نخست واژه‌های کلیدی تعریف، متغیرهای مبنای تبیین و سپس بر اساس روش منتخب برنامه‌ی راهبردی کلیم‌الله به بررسی گرفته خواهد شد.

۱. حضرت موسی

«موسی» اسم مرکب از دو نام قبلی است «مو» به معنای آب «سی» به معنای درخت. دلیل ترکیب این اسم را یافتن صندوقچه‌ی حاوی او (قصص، آیه ۷) در رود نیل (قصص، آیه ۸)، کنار درختی دانسته‌اند (جزایری، ۱۳۸۹: ۳۱۲). بر اساس گزارش‌های تاریخی حضرت موسی (ع) در سال ۱۴۷۱ قبل از میلاد متولد شد و در سال ۱۳۵۱ رحلت فرمود؛ روی این حساب هنگام رحلت ۱۲۰ سال داشت (رسولی محلاتی، ۱۳۹۵: ۴۷). البته طبق روایتی که شیخ صدوق در کمال‌الدین از پیامبر اسلام (ص) نقل کرده است حضرت موسی ۱۲۶ سال و حضرت هارون ۱۳۳ سال عمر کرده‌اند (مشکوه، ۱۳۷۱: ش ۳۶-۳۷، ۴۵). به‌هرحال گزارش‌های تاریخی و برخی از احادیث اسلامی حاکی از آن است که پدر حضرت موسی (ع) عمران پسر یصهر پسر یافت، از نسل لاوی فرزند یعقوب نبی (ع) است و نام مادر وی را برخی نجیب وعده‌ای یوکابید یا یوخابید گفته‌اند (مجلسی، ۱۳۸۴: ۵۷۹).

از منظر اسلام کلیم خدا، از پیامبران اولوالعزم و دارای شریعت مستقل است و جریان تولد، سرگذشت، اهداف، وظایف، مبانی و راهبردهای وی چه در دوران

فرعون و چه در دوره‌های دیگر سهم زیادی از آیات قرآن را به خود اختصاص داده است. مطالعات قرآنی نشان می‌دهد که واژه‌ی موسی ۱۴۳ مرتبه در ۳۴ سوره قرآن ذکر شده و در حدود ۴۲۰ آیه مربوط به ایشان (عباسی مقدم، ۱۳۷۹: ۲۰۷) و از نظر پیروان ادیان سامی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) یکی از پیامبران بزرگ الهی است.

۲. بنی اسرائیل

«اسرائیل» واژه‌ی عبری است (جوالیقی، ۱۳۸۹: ۶۱؛ سجستانی، ۱۹۹۳: ۱۲۶) ولی برخی از واژه‌پژوهان تلاش کرده‌اند این واژه را عربی و برگرفته از «سری - سیری» به معنای سفر کردن در شب بدانند و وجه این نام‌گذاری را فرار یعقوب به دلیل ترس از برادرش و سفر شبانه او ذکر کرده‌اند؛ اما بسیاری از لغت‌شناسان، به‌ویژه واژه‌پژوهان زبان‌های عجمی در قرآن با دلایلی مانند ختم واژه به «ئیل»، اختلاف در قرائت و نوع صیغه آن، به عبری یا سریانی بودن این واژه باور دارند (جفری، بی‌تا: ۱۱ - ۱۲۰). به‌هرروی «اسرائیل» نام دیگری برای یعقوب پیامبر است (سجستانی، ۱۹۹۳: ۱۲۶ و طبری، بی‌تا: ۱، ۳۵۹)؛ و مراد از بنی اسرائیل فرزندان و نوادگان یعقوب است که به دلیل نقش و اهمیت دوران زندگی و تحولات تاریخی این قوم، هم کتاب مقدس و هم قرآن کریم در موارد گوناگون، به شرح و تفسیر زندگی آنان پرداخته‌اند. به‌هرروی مطابق روایات ادیان ابراهیمی بنی اسرائیل در زمان حکومت و مدیریت حضرت یوسف (ع) به مصر آمدند و مدتی پس از رحلت ایشان مورد آزار و آسیب رساندن فراوان قبطیان قرار گرفتند و سرانجام توسط حضرت موسی از جنگال فرعون و قبطیان مصر نجات یافتند. شایان‌ذکر است که در مورد فاصله‌ی زمانی میان حضرت یوسف (ع) با حضرت موسی (ع) برخی گفته‌اند فاصله چهارصد سال بوده است «بین یوسف و بین موسی اربعمائه سنه» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵، ۴۰۷).

۳. فرعون

واژه‌ی «فرعون» لقبی مدیر ارشد و حاکم دوره‌ای از سلسله‌های فرمانروایان مصر باستان است. این واژه از ریشه‌ی قبطی «پِرآ» به معنای «خانه‌ی بزرگ» و اشاره به این



دارد که فرعون‌ها خود را پناهگاه مردم می‌دانستند و برای خود کاخ‌های بزرگ پادشاهی داشتند (خدادادیان، بی تا: ۲۴). در قرآن کریم از فرمانروای زمان حضرت موسی در مصر، با عنوان فرعون باد شده است «قَالَ مُوسَى يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (اعراف، آیه ۱۴۰)، «قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنْتُكُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ» (اعراف، آیه ۱۲۳)؛ ولی از فرمانروای زمان حضرت یوسف در مصر، با عنوان پادشاه - مَلِكْ یاد شده است «قَالَ الْمَلِكُ أَتُونِي بِهِ اسْتَخْلَصَهُ لِئُقْسَى» (یوسف، آیه ۵۴). بسیاری از مورخان اسلامی به این باورند که رام سس دوم - در حدفاصل سال‌های ۱۲۷۹ - ۱۲۱۳ پیش از میلاد - فرعون هم‌عصر کلیم‌الله بوده و برخی پسر او به نام «منفتاح» را فرعون هم‌عصر حضرت موسی (ع) می‌دانند.

۴. برنامه‌ی راهبردی

این اصطلاح همانند دیگر مفاهیم مدیریت دارای تعریف‌های است. از جمله گفته شده: «برنامه‌ریزی استراتژیک با دوراندیشی و در جریان فرایند نظام‌یافته انجام می‌گیرد» (رضائیان، ۱۳۸۸: ۱۸۲-۱۸۵). در تعریف دیگر آمده «برنامه‌ریزی راهبردی تلاشی سازمان‌یافته و منظم برای اتخاذ تصمیمات بنیادی و اجرای اقدامات اساسی است که ماهیت و جهت‌گیری فعالیت‌های سازمان را با دیگر سازمان‌ها در چارچوب قانون شکل می‌دهد (حمیدی زاده، ۱۳۹۲: ۲۷)» از مجموع مطالب در این حوزه به این نظر می‌رسیم که این نوع برنامه‌ریزی، ابزار مدیریتی سودمندی است که برای پیش‌بینی تحولات، مبارزه با رقبا، طراحی راهبردهای راه‌گشا و رسیدن به اهداف دارای نقش حیاتی و ضرورت مبرم است.

۴.۱. ویژگی‌های اساسی برنامه‌ی راهبردی

برنامه‌ی راهبردی منعکس‌کننده‌ی ارزش‌های حاکم بر سازمان است و چارچوبی برای سایر برنامه‌های بلندمدت دارد، با عنایت به افق‌های دور؛ این برنامه پیوستگی و انسجام در عملیات و اقدام‌های دوره‌های زمانی طولانی ایجاد می‌کند و برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت و عملیاتی را جهت می‌دهد (منوریان، ۱۳۹۴: ۸۱)؛ بنابراین

ویژگی‌های یک برنامه‌ی راهبردی مطلوب فرصت‌ها شناسایی، تعیین اهداف، بررسی شرایط محیطی و تحلیل «Swot» برای تعیین راه‌های حل مختلف، ارزیابی و گزینش بهترین؛ برای تدوین برنامه‌ی اجرایی با در نظر گرفته بودجه‌بندی و هزینه سنجی است.

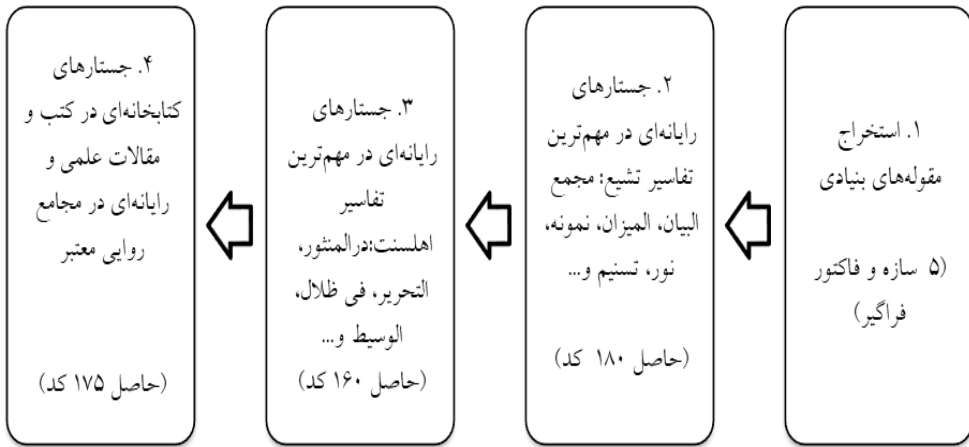
۴،۲. فرایند برنامه‌ی راهبردی

درباره‌ی فرایند برنامه‌ی استراتژیک نیز سخن بسیار است و مدل‌های گوناگونی ارائه‌شده و توافق محکمی وجود ندارد (معروفی، ۱۳۸۲: ۱۱۸) از باب نمونه گفته‌شده «فرایند برنامه‌ریزی راهبردی یک وظیفه مداوم مدیریتی و شامل مجموعه پیچیده‌ای از تصمیمات و اقدامات است» (ساترلند و کانول، ۱۳۹۰: ۳۴۴) هریک از اندیشمندانی که در حوزه‌ی راهبردی مدل ارائه کرده‌اند برای فرایند آن مراحل و گام‌های گوناگونی بیان داشته‌اند ولی به نظر می‌رسد می‌توان مجموعه مسائل آن را در یک فرایند سه مرحله‌ای «تدوین، اجرا و ارزیابی» در نظر گرفت و اندیشمندانی مانند آقای دیوید، هریسون و کارون ایچ و... در کتاب‌های خود بر همین مبنا مطالب راهبردی را به بحث و بررسی گرفته‌اند (دیوید، ۱۳۹۰؛ هریسون و کارون ایچ، ۱۳۹۰) این پژوهش نیز بر پایه‌ی همین فرایند سه مرحله‌ای سامان‌یافته است.

شایان‌ذکر است که به‌صورت مبسوط در بحث تدوین استراتژی‌ها چشم‌انداز، رسالت و مأموریت، ارزش‌ها، بررسی محیطی (شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی، شناسایی نقاط قوت و ضعف داخلی)، راهبردها و اصول راهبردی به بحث گرفته می‌شود (امیری، ۱۳۹۶: ۴۸) در حوزه‌ی اجرای راهبردی مباحث مؤلفه‌های مؤثر در پیاده‌سازی (ایجاد انگیزه، تعیین سیاست‌ها و...)، الزامات پیاده‌سازی، مدل‌ها و مهارت‌های موردنیاز به بحث گرفته می‌شود (امیری، ۱۳۹۶: ۴۸)؛ بدیهی است که مقاله ظرفیت پرداختن به همه‌ی این مسائل را ندارد؛ از این رو در بحث تجزیه و تحلیل برنامه‌ی راهبردی حضرت موسی (ع) تنها به بیان مدل مفهومی، طراحی راهبردی،



مفروضات بنیادین، فرایند، چگونگی پیاده‌سازی و شیوه نظارت و سنجش عملکردها در حد ظرفیت مقاله‌ی علمی پرداخته خواهد شد. در پژوهش حاضر از شیوه‌ی تحلیل مضمون بارویش فهم قرآن به قرآن استفاده شده است؛ زیرا به نظر می‌رسد این روش برای بررسی و استخراج گزاره‌های وحیانی مناسب‌ترین است. شیوه‌ی مدنظر شامل مجموعه‌ای از فنون برای تحلیل نظام‌مند محتوا و مضمون، تلخیص، طبقه‌بندی و استنباط و ویژگی‌های خاص از متن است. مبتنی بر این سبک، نخست مقوله‌ها از آموزه‌های وحیانی گردآوری و در قدم بعدی با گزاره‌های فراگیر سازه‌های اصلی ساخته شده و سپس زیرگونه‌ها و رابطه‌ی عناصر و متغیرها به تجزیه و تحلیل گرفته شده است. فرایند روش مدنظر در شکل (۱) به نمایش درآمده است.



شکل (۱) فرایند روش پژوهش

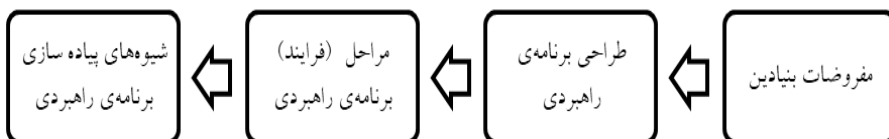
شایان ذکر است، با وجود اینکه کاوش‌های رایانه‌ای مبتنی بر واژه‌های محوری صورت گرفته نه بررسی مستوفای همه‌ی منابع ولی بازمهم داده‌های جمع‌آوری شده بسیار بیش‌تر از ظرفیت این تحقیق است؛ با عنایت به این مسئله پس از دسته‌بندی و نسبت‌سنجی مطالب یافته‌های تکراری و نیز غیر مرتبط حذف و از متن و شاکله‌ی محتوای بقیه تا حد ممکن در سطح مقاله‌ی علمی به شکل هدفمند استفاده شده است.



تجزیه و تحلیل مدل برنامه‌ریزی راهبردی

با توجه به اینکه حدود یک‌پنجم از آیات قرآن کریم به ویژگی‌های قوم بنی‌اسرائیل و چگونگی هدایت و رهبری آنان توسط حضرت موسی (ع) اختصاص یافته است، نوشتار حاضر بر آن است که با بهره‌گیری از آیات و آرای ارزشمند مفسران و دانشمندان علوم قرآنی، شیوه برنامه‌ریزی استراتژیک حضرت موسی (ع) را کشف و استخراج نماید؛ تا مشخص شود که ایشان در مواجهه با نظام ستم‌فرعونی و نیز قوم لجوج و عنود از چه استراتژی‌های جهت‌تدوین، اجرا و عملیاتی‌سازی برنامه‌ها و نیل به اهداف والا بهره‌جسته است.

بر اساس آموزه‌های وحیانی نگرش حضرت موسی (ع) در حوزه‌ی راهبردی در مدل مفهومی در نظر گرفته شده است؛ زیرا مدل مفهومی مکانیسمی را ارائه می‌دهد که به کمک آن می‌توان چگونگی فرایند و توالی منطقی اجزا و ارتباط عناصر مختلف تشکیل‌دهنده‌ی یک نظریه و یا مسئله را شناخت. لازم به ذکر است که در دانش مدیریت برای برنامه‌ریزی راهبردی تاکنون مدل‌های بسیاری با فرایندهای مختلف ارائه شده است. از جمله فرایند برنامه‌ریزی راهبردی مدل تلفیقی پیرس و رابینسون و مدل هاکس و مدل دیوید و مدل جان تامسون و... است (دیوید، ۱۳۹۲: ۲۸۱، احمدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۸۰)؛ اما این مدل‌ها بر اساس اندیشه‌ی غربی و متناسب با نظام ارزشی و ویژگی‌های مدیریتی آنان ارائه و مورد اقبال واقع شده و نیز دربرگیرنده‌ی مجموعه مباحث مدیریت راهبردی هستند درحالی‌که این مقاله تنها درصدد تبیین برنامه‌ریزی راهبردی است. با عنایت به این مهم، مدل مفهومی مدنظر برای برنامه‌ی استراتژیک حضرت موسی (ع) در شکل (۲) به تصویر کشیده شده است.



شکل ۲ مدل مفهومی برنامه‌ریزی راهبردی حضرت موسی (ع)



۱. مفروضات بنیادین در برنامه‌ریزی راهبردی حضرت موسی (ع)

مفروضات زیربنایی دربردارنده‌ی همه‌ی باورها و مشاهده‌ها و تجربیات بوده و مدیران در پیمایش محیط و کسب آنچه در مسیر کمال بدان نیاز دارند، با اتکا بر مفروضات خود اقدام می‌کنند. در قرآن مجید گزارش‌های فراوانی درباره‌ی حضرت کلیم‌الله وجود دارد و از مجموع آن‌ها مفروضات زیادی قابل طرح، کشف و تدوین است؛ اما با توجه به روح کلی آیات به نظر می‌رسد طرح راهبردی حضرت موسی (ع) از منظر قرآن مبتنی بر مفروضات بنیادین ذیل است:

۱-۱. برنامه‌ی راهبردی حضرت موسی (ع) بر مبنای آگاهی دهی و بصیرت افزایی بود. ایشان از کودکی تا عنفوان جوانی در کاخ فرعون بزرگ‌شده بود؛ از این رو از شیوه‌ی حکومت‌داری استکباری فرعون در تضعیف گروه‌های مختلف آگاهی کامل داشت (بقره، آیه ۴۹؛ اعراف، آیه ۱۴۱؛ ابراهیم، آیه ۶؛ قصص، آیات ۴-۱۵) با این آگاهی در مسیر تحقق چشم‌انداز توحیدی به‌صورت هدفمند حرکت کرد.

۱-۲. حضرت کلیم‌الله تلاش‌های نستوهی در زمینه‌ی تنویر افکار عمومی و تصحیح باورها درباره‌ی هستی، نیازها و ارزش‌ها انجام داد که در کلام وحی گزارش شده است؛ از جمله گفتمان کلیم خدا با فرعون را می‌توان برشمرد (طه، آیه ۴۹-۵۷) در این آیات حضرت موسی (ع) تلاش دارد به فرعون ستمگر بفهماند که این عالم هستی نه منحصر به توست و نه منحصر به سرزمین مصر، نه مخصوص امروز است و نه گذشته، بلکه پهنه‌ی گیتی دارای گذشته و آینده‌ای دورودراز است. در این گفتمان دو مسئله اساسی چشم‌گیر است، یکی تأمین نیازمندی‌ها و دیگری به کار گرفتن نیروها و امکانات در مسیر پیشرفت است.

۱-۳. حضرت موسی (ع) به‌عنوان پیامبر الهی موظف بود در راستای اعتلای حق و افشای باطل؛ مردم و به‌خصوص نیروهای زیر چتر مدیریت خود را از مشکلات مادی و معنوی نجات دهد و با آوردن رفاه و آبادانی بستر تحقق مدیریت دینی و کرامت

انسانی را فراهم سازد (بقره، آیه ۵۴، ۶۰؛ مائده، آیه ۲۰؛ انعام، آیه ۱۵۴؛ اعراف، آیات ۱۰۴، ۱۲۱-۱۲۸؛ یونس، آیه ۸۷).

۴-۱. حضرت موسی (ع) در راستای رسالت دینی و تحقق چشم‌انداز توحیدی ارشادات مادی و معنوی را توأمان داشت (ابراهیم، آیه ۶؛ اعراف، آیه ۱۵۹؛ یونس، آیات ۷۷-۸۴).

۵-۱. کلیم خدا از جمله پیامبرانی است که به مقام حکومت و مدیریت رسید و بر نهاده‌سازی ارزش‌های توحیدی و اجرای قوانین اهتمام ویژه داشت (بقره، آیات ۵۰-۵۴؛ اعراف، آیات ۱۰۵-۱۳۸؛ یونس، آیه ۹۰؛ شعرا، آیه ۶۳).

۶-۱. گزارش‌های کلام وحی حاکی از آن است که کلیم خدا به خاطر جذب نیروی انسانی از برهان و استدلال استفاده کرد. این آیات را می‌توان به دودسته تقسیم نمود؛ دسته‌ی اول: دلالت بر این دارند که ایشان با استدلال و برهان نزد سران شرک و کفر رفت و با آن‌ها به مبارزه پرداخت (بقره، آیه ۹۲؛ طه، آیه ۴۷؛ طه، آیه ۴۲؛ نازعات، آیه ۱۷) دسته‌ی دوم: آیت‌هایی است که به اصل برهان و استدلال حضرت کلیم‌الله اشاره دارد و این‌که ایشان چه برهان و استدلالی را برای متقاعد ساختن مخالفین خود، به کار برده است (غافر، آیه ۲۳؛ شعرا، آیه ۳۳، نمل، آیه ۱۲؛ قصص، آیه ۳۲).

۲. طراحی برنامه‌ی راهبردی توسط حضرت موسی (ع)

ارائه‌ی طرح مطلوب نقش بی‌بدیلی در شکل‌گیری و جهت‌دهی برنامه‌ها در راستای چشم‌انداز و تحقق اهداف دارد. برای طراحی برنامه‌ای کارا، اطلاع از تمامی واقعیت‌های مربوط لازم است؛ زیرا برنامه، شامل فعالیت‌هایی است که بر پایه‌ی واقعیت‌ها طرح‌ریزی می‌شود (رضائیان، ۱۳۹۳: ۱۰۲) برنامه‌ی راهبردی با عنایت به امکانات و محدودیت‌ها فرایندی است که در آن چگونگی پیگیری اهداف بلندمدت با در نظر گرفتن منابع، مشخص می‌شود. از این رو گفته‌اند برنامه‌ریزی راهبردی فرایندی در جهت تجهیز منابع سازمان و وحدت بخشیدن به تلاش‌های آن برای نیل



به اهداف و رسالت‌های بلندمدت است (الوانی، ۳۹۱: ۵۳). به نظر می‌رسد یکی از مدل‌های مهم در حوزه برنامه‌ریزی در آموزه‌های وحیانی، الگوی راهبردی حضرت موسی (ع) است. آن مدیر و پیشوای آسمانی با درک قدسی و معرفت توحیدی برای رسیدن به موقعیت مطلوب با تعیین اهداف بلندمدت و هدف‌گذاری (تفکیک مأموریت‌ها به هدف‌های کمی و کیفی کوتاه‌مدت) و با تلاش‌های نستوه و بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌ها در چارچوب نظام ارزشی توحیدی برای عملیاتی ساختن تصمیم‌های مبنایی و فعالیت‌های راهبردی دست به اقدامات اساسی زد.

بر اساس طرح و برنامه‌ی راهبردی کلیم خدا که سرچشمه‌ی ایمانی داشت تحولات عظیمی در کشور فرعون جبار و نیز در میان قوم بنی‌اسرائیل پدید آمد (انعام، آیه ۱۵۴؛ اعراف، آیات ۱۲۸-۱۵۹-۱۶۰؛ ابراهیم، آیه ۶) ایشان نخبگان غافل را از لحاظ روحی و فکری بیدار کرد (شعرا، آیات ۴۷-۴۸) و با تعلیمات توحیدی و مدیریت دینی بنی‌اسرائیل را از زیر یوغ استکبار نجات داد (بقره، آیات ۴۹-۵۰؛ اعراف، آیه ۱۰۳) از مشرق تا مغرب سرزمین پربرکت را در اختیار قومی قرارداد که توسط ستمگران به ضعف کشانده شده بود (اعراف، آیه ۱۳۷) و تمامی نیازهای مادی و معنوی آنان را برآورده (بقره، آیات ۵۳-۵۷؛ انعام، آیه ۱۵۴؛ اعراف، آیه ۱۲۸؛ یونس، آیات ۸۴-۸۷) و سرانجام نیروی زیر چتر مدیریت خود را به عزت و کرامت بی‌مانند رساند (بقره، آیه ۴۷؛ مائده، آیه ۲۰).

۳. مراحل و فرایند برنامه‌ی راهبردی حضرت موسی (ع)

برای برنامه‌ریزی مراحل زیادی گفته شده است. اساسی‌ترین گام‌های برنامه‌ریزی عبارت‌اند از: آگاهی از فرصت‌ها (مسائل و نیازها)؛ تعیین اهداف؛ کسب اطلاعات کامل درباره‌ی فعالیت‌های موردنظر؛ دسته‌بندی و تحلیل اطلاعات؛ تعیین فرضیه‌ها و شناخت موانع؛ تعیین بدیل‌ها و ارزیابی آن‌ها و انتخاب بدیل مطلوب و جایگزین؛ تدوین برنامه‌های پشتیبانی و فرعی؛ تنظیم تفصیلی توالی فعالیت‌ها؛ بیان برنامه‌ها و... (رضائیان، ۱۳۹۳: ۹۹-۱۰۵). چنان‌که قبلاً نیز بیان شد فرایند برنامه‌ریزی

دارای چهار سطح متفاوت؛ اما مرتبط باهم «راهبردی، تاکتیکی، تخصصی و عملیاتی» است و از جهت افق زمانی نیز دارای سه سطح «بلندمدت، میانمدت و کوتاهمدت» است. در این قسمت از پژوهش گام‌های اساسی برنامه‌ریزی راهبردی حضرت موسی (ع) از منظر قرآن کریم به بررسی گرفته می‌شود. با عنایت به تعریف، مفروضات و گام‌های برنامه‌ریزی و دقت ورزی در آموزه‌های وحیانی مرتبط با حضرت موسی (ع) به این نظر می‌رسیم که برنامه‌ی راهبردی کلیم خدا (ع) دارای گام‌های اساسی است که در شکل (۳) به تصویر کشیده شده است.



شکل ۳ گام‌های برنامه‌ی راهبردی حضرت موسی (ع) از منظر قرآن

۱-۳. بررسی تحلیلی گام‌های برنامه‌ی راهبردی حضرت موسی (ع)

در این قسمت از پژوهش به ترتیب منطقی هر کدام از گام‌های پنج‌گانه از منظر قرآن در حد و سطح مقاله‌ی علمی به شکل تحلیلی به بررسی گرفته خواهد شد.

مرحله اول: تبیین اندیشه

حضرت موسی (ع) با توجه به شناختی که از محیط درونی و بیرونی جامعه مصر داشت، اولین گامی که جهت عملیاتی سازی برنامه‌های خود در پیش گرفت تبیین اندیشه‌ی توحیدی و تنویر افکاری عمومی بود. قرآن کریم در این باره آیات زیادی را گزارش می‌دهد که حکایت از شفافیت سازی و تصریح اعتقادات و باورهای حضرت موسی (ع) دارد، قرآن می‌فرماید: «یا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (آل عمران / ۱۰۴). (۱۲۸)؛ و نیز فرمود: «من تو را به سوی پروردگارت هدایت و راهنمایی می‌کنم؛ از خدا بترس و از سرکشی دست بردارد» (نازعات / ۱۹) و برای اثبات مدعی خود ادله مستحکم و معجزات روشنگر آورد (نازعات / ۲۰؛ اعراف / ۱۳۰ - ۱۳۵)؛ اما فرعون از خواب غفلت بیدار نشد و رسالت و مدیریت موسی (ع) را



نپذیرفت (نازعات / ۲۱). نه تنها نپذیرفت بلکه جهت اغفال و شوراندن قبطیان و پیروان خود علیه موسی (ع) تلاش‌های زیادی نیز کرد (نازعات / ۲۲) و بر اساس برنامه‌ی اغفال‌گرایان اندیشه‌ی کلیمی را به استهزاء و سخره گرفته و پس از جمع‌آوری نیروها گفت: «من پروردگار بزرگتر شما هستم!» (نازعات، آیه ۲۴)، به این هم بسنده نکرده بلکه به شکل آشکار به مبارزه با موسی برخواست.

به خاطر اطفاء حق و حقیقت و فریب دادن مردم، حضرت موسی (ع) را ساحر خواند و گفت: «ای موسی آیا پس از هجرت و دوری از شهر ما باز نزد ما آمدی تا با سحر و جادو ما را از سرزمینمان بیرون کنی و خود بر اریکه‌ی مدیریت و قدرت تکیه بزنی؟» (طه، آیه ۵۷)؛ او بر اساس برنامه می‌خواست با این گفتار انگیزه‌ی مبارزه در قبطیان علیه موسی (ع) را برانگیزد؛ زیرا خود او و کارگزاران حکومتش حضرت موسی (ع) و اندیشه‌ی توحیدی او را تهدید جدی برای فرهنگ حاکم و رهایی بنی‌اسرائیل از بردگی و زیر یوغ نظام استکباری خود می‌دانستند؛ و معتقد بود که باروی کار آمدن اندیشه‌ی موسی (ع) و عملیاتی شدن طرح و برنامه‌ی آن دیگر جای برای چپاولگری و غارتگری و حکمرانی بی‌قید و شرط برای فرعون و کارگزاران و پیروان او باقی نخواهد ماند.

از این رو فرعون، به مبارزه با اندیشه و برنامه‌ی موسی (ع) برخاسته و گفت: ای موسی تو ساحر هستی ما نیز برای مقابله به مثل در برابر سحر تو دست به افسونگری می‌زنیم، برای ارائه‌ی افسونگری موعدی در جای هموار بگذار که نه ما آن را خلاف کنیم و نه تو (طیب، ۱۳۷۸: ۹، ۴۸)

بر اساس گزارش قرآن کریم و یافته‌های مفسرین حضرت موسی (ع) در جواب او فرمودند: موعد رویارویی ما و شما پیش از ظهر روز جشن باشد که مردم در آن گرد می‌آیند. فرعون و کارگزارانش هرچه توان داشتند برای پیروزی به کاربردند، ساحران ماهر را جهت اغفال مردم احضار کردند (طه، آیه ۵۷-۶۰) چون فکر می‌کردند حضرت موسی (ع) نیز همانند کاهنان ساحر ماهری است (اعراف، آیه ۱۰۹) و

بایست هر ساحر کارآموده‌ای را برای روز موعد مقرر حاضر سازند (اعراف، آیه ۱۱۲) چنان که فرعون گفت: «بروید هر جادوگر ماهر و دانا را می‌شناسید نزد من بیاورید» (یونس، آیه ۷۹).

در آن روز سرنوشت‌ساز دانشمندان نظام ستم فرعون‌ی از فرط اعتماد به فرعون و به ساخته‌های خود که به صورت مارها می‌جنید، گفتند: «سوگند به عزت و جلال فرعون که ما حتماً پیروزیم»؛ «بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ» (شعراء، آیه ۴۴)؛ اما وقتی براهین محکم طرح و برنامه‌ی موسی (ع) را دیدند سر تسلیم فرود آوردند (شعراء، آیات ۴۷-۴۸). پس از این شکست بزرگ فرعون به اطرافیان خود گفت: «این مرد ساحر آگاه و ماهر است!»؛ «قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ» (شعراء، آیه ۳۴) و با چنین نگرش شیطانی هیچ‌گاه توفیق هدایت و به آمدن زیر چتر مدیریت موسی کلیم را نیافت.

حضرت موسی (ع) فرعون و کارگزارانش را از سحر نامیدن معجزات خود بر حذر داشت و گفت: «أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ» (یونس، آیه ۷۷)؛ «آیا درباره حق، هنگامی که به سوی شما آمده (چنین) می‌گویید؟! آیا این سحر است؟! درحالی که ساحران (هرگز) رستگار (و پیروز) نمی‌شوند!» و به قوم خود نیز فرمود: «از خدا یاری جوید و استقامت پیشه کنید که زمین از آن اوست و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، واگذار می‌کند؛ و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است!»؛ «اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (آل عمران، آیه ۱۲۸) و نیز به آنان فرمود: «يَا قَوْمِ إِن كُنتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنتُمْ مُسْلِمِينَ» (یونس، آیه ۸۴).

همچنین حضرت کلیم‌الله برای تقویت پایه‌های تئوریک رهبری خود به نزد حضرت خضر نبی رفت و از او درخواست کرد: «آیا می‌توانم با شما همراهی کنم تا از بینشی که آموخته‌ای من را نیز بیاموزی؟»؛ «هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا» (کهف، آیه ۶۶). تأمل در حوادث مختلف زندگی کلیم خدا و قضایای قرآنی



مرتبط با ایشان به این رهنمون است که یکی از گام‌های اساسی در طرح راهبردی وی تبیین اندیشه‌ی توحیدی و تنویر افکار عمومی بوده و با این گام توانست تهدیدها را تبدیل به فرصت نماید (سید قطب، ۱۴۱۲: ۳، ۱۸۱۰).

گزارش‌های قرآنی حکایت از آن دارد که حضرت موسی (ع) بعد از بازگشت از مدین همراه با برادرش هارون مبارزه علیه اندیشه استکباری و الحادی را شروع کرد و در راه نیل به هدف که همان ترویج توحید و نفی شرک و نجات مردم از زیر یوغ نظام ستم فرعونى باشد؛ ابتدا به دعوت و هدایت فرعون و کارگزارانش پرداخت (آل عمران، آیه ۱۰۴). با تمام توان تلاش کرد او را از راه منطقی و عقلانیت به سمت وسوی هدایت و رشد راهنمایی کند، از این روی دیده می‌شود که ساحران بعد از گفتگو و مشاهده توانمندی‌های خارق‌العاده‌ی حضرت موسی (ع) تحت تأثیر قرار گرفته و در برابر فرعون ایستادند و در مقابل حضرت موسی (ع) سر تعظیم فرود آوردند با وجود اینکه می‌دانستند که پیامد کارشان چیزی جز مرگ را به همراه ندارد (طه، آیه ۶۶ و شعراء، آیه ۴۶) در آن اجتماع بزرگ که برای مقابله با کلیم خدا سامان یافته بود، آشکارا گفتند: «أَمَّا رَبُّ الْعَالَمِينَ، رَبُّ مُوسَى وَ هَارُونَ (اعراف، آیه ۱۲۲)».

مرحله دوم: تشکیل گروه

بر اساس آموزه‌های وحیانی مشخص شد که حضرت موسی (ع) در تعامل و تقابل با فرعون و نظام او به پیروزی رسید و توانست دشمن را شکست دهد و بعضی از درباریان را از صحنه‌ی رقابت کنار زند (اعراف، آیه ۱۲۱-۱۲۲؛ شعراء، آیه ۴۸). او توانست نظام به ظاهر مستحکم فرعونى را متزلزل سازد، با این وجود فرعون و بسیاری از کارگزارانش در مقابله با حضرت موسی (ع) تا پای جان دادن قد علم کرده و تمام نیروی خود را جهت از بین بردن این مدیر ورهبر توحیدی بسیج کرده‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۴، ۵۰۴)، در چنین شرایطی حضرت موسی (ع) گام دوم از برنامه‌ی راهبردی



خود را که همان ایجاد گروه باشد برداشت و با ابتکار عمل به تشکیل گروه متحد و منسجم اقدام نموده و آن را عملیاتی ساخت.

آن مدیر و پیشوای آسمانی با تشکیل گروه منسجم حوزه فعالیت‌های خود را گسترش بخشید؛ هرچند که با انتقادات ناجوانمردانه و به‌دوراز انصاف پیروانش مواجه شد تا آنجا که در برابر آن‌همه خدمات به او گفتند: «هم پیش از آنکه به سوی ما بیایی و هم پس از آن، آزار دیدیم!» «أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَ مِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا» (اعراف، آیه ۱۲۹) این لحن می‌رساند که آنان با زبان اعتراض گفتند: چنان که پیش از پیروی از شما توسط نظام ستم فرعون‌ی تحت شکنجه و رنج آزار بودیم پس از آن نیز چنین هستیم، بنابراین ما در این هردو دوره یکسان به سر می‌بریم و هیچ سودی از تو ندیدیم.

با وجود همه‌ی این بی‌انصافی‌ها و نادیده‌گیری خدمات، حضرت موسی (ع) با سعه‌ی وجودی که داشت زخم‌زبان‌ها و تهمت‌های ناروای آن‌ها را تحمل کرد و تمام سعی و تلاش خود را برای حفظ این گروه به کار بسته و فرمود: «امید است که خداوند سلسله‌ی دشمن را منقرض کند و حکومت را به دست شما مردم دهد تا دیده شود که چه می‌کنید»؛ «عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ» (اعراف، آیه ۱۲۹). حقیقت این است که هرگز ممکن نیست نعمتی به کسی برسد، مگر این‌که در کنار آن آزمون الهی مطرح نباشد (جوادی آملی «ب» ۱۳۸۸: ۶، ۴۸۵). به‌هرحال کلیم خدا بعد از نفوذ در قلب‌ها و ایجاد گروه همراه حضرت هارون به سراغ فرعون رفت و با حرکت و اقدام استراتژیکی آزادی پیروان خود را مطالبه نمودند «أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ» (شعراء، آیه ۱۷)؛ «فرزندان اسرائیل را با ما بفرست!» بدیهی است منظور از فرستادن بنی‌اسرائیل این بود که زنجیر اسارت و بردگی از دست و پای آن‌ها بردارد و در زیر چتر مدیریت کلیم‌الله به آزادی برسند.

فرعون، تشکیل گروه و لشکر مجزا از سیستم حکومتی خود را نپذیرفت و برای انصراف حضرت موسی از این اقدام با گفتار شیطنت‌آمیز حساب‌شده به نفی رسالت



وی پرداخت. او با مخاطب قرار دادن حضرت موسی (ع) گفت: «آیا ما تو را در کودکی در دامان مهر خود پرورش ندادیم؟» «أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا (شعراء، آیه ۱۸)» و بعد از آن نیز «سال‌های متمادی از عمرت را در میان ما بودی!»؛ «وَكَبَّتْ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ (شعراء، آیه ۱۸)» و نیز گفت: ای موسی! ما تو را از امواج خروشان و خشمگین نیل که وجودت را به نابودی تهدید می‌کرد گرفتیم، دایه‌ها برای شما دعوت کردیم و از قانون مجازات مرگ فرزندان بنی‌اسرائیل معاف نمودیم، در محیطی امن و امان قصر ما در ناز و نعمت پرورش یافتی! سال‌ها بر سر سفره‌ی ما بودی، نمک خوردی و نمکدان را شکستی! با چنین کفران نعمت چگونه می‌توانی پیامبر باشی؟! در حقیقت فرعون می‌خواست با این منطق و این گونه پرونده‌سازی کلیم خدا را به پندار خود محکوم کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۵، ۲۰۲-۲۰۳) این مسئله در آیات بسیاری به خصوص در آیات ۱۶ تا ۵۶ سوره‌ی شعراء گزارش شده و برخورد منطقی، اما قاطع و گفتگوی سرنوشت‌ساز کلیم‌الله با فرعون و ساحران و سایر مخالفان آمده است.

از آنجا که کلیم‌الله از طرف مدیر ازلی مأموریت به تشکیل گروه داشت (شعراء، آیه ۵۲) همراه هارون به سراغ فرعون رفتند و گفتند: «ما فرستاده‌ی از سوی پروردگار جهانیان هستیم» «إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (شعراء، آیه ۱۶) و سرانجام شبانگاهان مأموریت نجات بنی‌اسرائیل را از زیر یوغ نظام ستم آلود فرعون‌ی عملیاتی ساخت (شعراء، آیه ۵۲)؛ فرعون و درباریان‌ش پس از اطلاع از حرکت راهبردی موسی (ع) خشمگینانه کاخ‌های مجلل خود را ترک کرده و آماده‌ی پیکار با موسی و لشکر او شدند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۵، ۲۳۵) بدین منظور فرعون مأمورانی را برای جمع کردن نیروی بیشتر به دیگر شهرها فرستاد (شعراء، آیه ۵۳) و با خود گفتند: لشکر موسی عده‌ی اندک و گروه ناچیز است (شعراء، آیه ۵۴).

اما پیروان موسی به تدبیر و اقتدار علمی رهبر و پیشوای خود دلگرم بودند، چراکه بعد از سال‌ها بدبختی و تیره‌روزی و در بدری مدیر و پیشوای آسمانی در میان خود

می بیند که هم مایه‌ی هدایت است و هم رهبر انقلاب و ضامن آزادی‌بخش. از این رو نه تنها محبوب دل سبطیان بود که در میان قبطیان نیز نفوذ کرد، جمعی به او تمایل پیدا کردند و یا لاقلاً از مخالفت با وی وحشت داشتند و صدای دعوت و برنامه‌ی حضرت موسی (ع) در تمام مصر پیچید بود (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۰، ۶۸-۷۰). از همه مهم‌تر اینکه وی در افکار عمومی نفوذ کرده بود و فرعون نه قدرت مزاحمت مردی را که عصایی این چنین در دست داشت و نه توان ایجاد هراس در دل کسی را که با زبان و منطق آن چنان گویا سخن می‌گوید. مجموع این امور زمینه‌ی مساعدی را برای اینکه موسی (ع) در میان مردم بماند و به تشکیل گروه اقدام نماید فراهم ساخت (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵، ۲۶۴-۲۶۸).

طبق گزارش‌های تفسیری و تاریخی بنی‌اسرائیل که با یاری خدا و مدیریت حضرت موسی (ع) از زیر یوغ نظام ستم فرعون‌ی رهایی یافتند، بالغ‌بر شش صد و بیست هزار نفر بودند و فرعون با سپاهی دو برابرش که به دنبال آنان رفته بود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱، ۳۶) پس از ورود به نیل در پیش چشمان آن‌ها همه غرق شدند و بدین ترتیب موسی (ع) و یارانش به پیروزی نائل آمدند و در این باره در قرآن کریم می‌خوانیم: «وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ» (بقره، آیه ۵۰).

مرحله سوم: کادر سازی

با توجه به این که حضرت موسی (ع) یکی از پیامبران بزرگ و مدیران ارشد جامعه‌ی بشری است برای هدایت و مدیریت انسان‌ها باید کادر سازی می‌کرد. کادر سازی برای معرفت‌افزایی و هویت‌بخشی و رسیدن به آزادی به منزله‌ی حق، ارزش و نیز برای ایجاد توازن میان تکلیف‌مداری و حق‌مداری لازم و ضروری است. غالباً سلاح هویت‌بخشی نبرد و مبارزه‌ی فیزیکی و سلاح معرفت‌افزایی دانش است و بر اساس شرایط و اقتضائات هر دو تأثیرگذار در نیل به سعادت هستند (طالقانی، ۱۳۶۲: ۱، ۳۱۷). قرآن کریم از کادر سازی کلیم خدا در راستای تحقق چشم‌انداز توحیدی



گزارش کرده است. چنان که در قرآن آمده ایشان برای ساماندهی امور از مدیر ازلی تقاضای وزیر می‌کند «وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي (طه، آیه ۲۹)»؛ «و وزیر از خاندانم برای من قرار ده.

خداوند نیز پاسخ مثبت داده و می‌فرماید: «وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ جَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَ زَیْرًا (فرقان، آیه ۳۵)»؛ «و ما به موسی کتاب (آسمانی) دادیم؛ و برادرش هارون را یاور او قراردادیم» پس از تثبیت وزارت هارون از سوی مدیر ازلی حضرت کلیم‌الله به هارون می‌فرماید: «اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَ اصْلِحْ وَ لَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ (اعراف آیه ۱۴۲)»؛ «جانشین من در میان قوم باش؛ و (آن‌ها) را اصلاح کن! و از روش مفسدان، پیروی منما!» بسیاری از مفسران اهل تسنن و اهل تشیع در ذیل این آیه به تبیین حدیث معروف منزلت «يَا عَلِيُّ! اَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى اِلَّا اَنْهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» که در کتب معتبر حدیثی فریقین آمده (صحیح بخاری، ۱۲۸۶، ح ۱۴، ص ۳۵۲؛ صحیح مسلم، ۱۴۱۲، ح ۴، ص ۱۸۷؛ کافی؛ ۱۷۰۴، ۸، ص ۱۰۷) پرداخته‌اند. با این تفاوت که مفسران شیعه آن را به‌عنوان یکی از اسناد زنده‌ی خلافت بلافصل علی بن ابی‌طالب (ع) دانسته و اهل سنت یا بعضی از مفسران آن‌ها به مخالفت به این باور پرداخته‌اند.

به‌هرحال در قرآن کریم در مورد اقدام کادر سازی حضرت موسی (ع) سخن گفته‌شده و از جمله افراد شاخص و مورد اعتماد در نظام وی مؤمن آل فرعون است او در سیستم ستم فرعون‌ی حضور داشت و از طرح و برنامه‌های آن‌ها به حضرت موسی (ع) گزارش می‌داد (حکیم، ۱۳۷۴: ۲۴۵) چنان‌که در کلام وحی آمده او به حضرت موسی (ع) گفت: به‌عنوان یار و خیرخواه به شما می‌گویم از این شهر خارج شوید چون اشراف دربار فرعون طرح قتل شما را ریخته‌اند «اِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاَخْرِجْ اِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ (قصص، آیه ۲۰)» و حضرت موسی (ع) نیز پذیرفت و از مصر به سوی مدین هجرت کرد «فَخَرَجَ مِنْهَا (قصص، آیه ۲۱)». در آیه دیگر آمده حضرت موسی (ع) وقتی می‌خواست به ملاقات خداوند برود از میان قوم خود هفتاد

نفر مرد را انتخاب کرد و با خود به میعادگاه برد «وَ اخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا (اعراف، آیه ۱۵۵)». تعبیر اختیار، اصطفاء، اجتناب و مانند آن درباره‌ی پیشوایان و پیامبران اولوالعزم وارد شده است. چنان‌که خدای سبحان خطاب به کلیم خود فرمود: «وَ اصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي (طه، آیه ۴۱)؛ «تو را برای رسالت خود برگزیدم». واژه‌ی «اختیار» در اصل «إختیر»، صیغه نخست ماضی باب افتعال از ریشه «خیر» مقابل شر و به معنای منعطف شدن و تمایل یافتن است؛ بنابراین، دو قید «گزینش» و «برتری دادن» در این واژه وجود دارد و در آیات دیگر مانند «وَ اَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى (طه/۱۳)؛ «وَلَقَدْ اخْتَرْنَا هُمْ عَلَى عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ (دخان، آیه ۳۲)». این واژه از همین باب با همین دو قید به کاررفته است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳، ۲۷). خلاصه اینکه با دقت ورزی در آموزه‌های وحیانی برای اهل اندیشه ثابت می‌شود که حضرت موسی (ع) جهت اصلاح امور و نهادینه‌سازی باورهای توحیدی از میان نیروهای خود حضرت هارون را به‌عنوان وزیر و گروهی از بنی اسرائیل را به‌عنوان اشخاص برجسته و کادر قوم برگزیده است.

مرحله چهارم: مبارزه با پیشوایان فتنه و فساد

حضرت موسی (ع) در طول زندگی خود با مدیران و رهبران ابرقدرت سه نوع اندیشه‌ی فتنه و فساد مقابله و مبارزه کرده است. یکی فرعون است که مظهر قدرت حکومت بود، دیگری قارون است که مظهر قدرت اقتصادی بود و سومی سامری است که مظهر قدرت صنعت و اغفال عقیدتی است. اگرچه بیشترین مبارزه را با نظام الحادی فرعون‌ی داشت ولی دو نوع مبارزه دیگر نیز واجد اهمیت زیاد و دربردارنده‌ی درس‌های آموزنده‌ی زیاد است. آن مدیر و رهبری الهی هم پیش از خروج از مصر و هم پس از آن با نظام دیکتاتوری فرعون‌ی و گروه‌های گمراه، جهت تثبیت و نهادینه‌سازی باورهای توحیدی مبارزه جدی داشت. در این باره در قرآن کریم گزارش‌های زیادی وجود دارد که در پاره‌های پیشین به پاره‌ی از آن‌ها اشاره شد و از باب نمونه در این حوزه در قرآن کریم می‌خوانیم: «لَقَدْ ارسلنا موسى بايتنا و سلطان مبين * إلى



فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَقَارُونَ» (غافر / ۲۳-۲۴) علامه طباطبایی در ذیل این آیه شریفه می-گوید: «اگر از میان همه دو امت قبطی و سبطی تنها نام این سه نفر را ذکر کرده، برای این بوده که تمامی فتنه‌ها و فسادها به این سه نفر منتهی می‌شد» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۲۷/۱۷).

فرعون کسی بود که ادعای خدای می‌کرد (نازعات/۲۴) در مورد هامان گفته شده او وزیر پر قدرت و مشاور امین فرعون بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۶/۱۷)؛ اما اینکه قارون چه کسی و چه ویژگی و خصوصیات داشت در کلام وحی می‌خوانیم: «إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَ آتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ» (قصص / ۷۶) و نیز در مورد قارون می‌خوانیم: «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يَرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» (قصص / ۷۹) از این آیات به‌روشنی استفاده می‌شود که قارون از بنی اسرائیل و دارای قدرت اقتصادی بی‌مانند و مظهر تجملات و دنیاگرایی، فتنه و فساد بوده است. حضرت موسی (ع) با این سه مدیر منحرف و دنیاگرا به مبارزه پرداخت و هر کدام بر اثر برتری جوی و نافرمانی از سفارش‌ها و دستورات موسی (ع) متناسب با پیامد عملکردشان تنبیه شدند «وَ قَارُونَ وَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ ... فَكَلَّا أَخَذْنَا بِذُنُوبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَ مِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَ مِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَ مِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنَا» (عنکبوت / ۳۹)؛ از این آیه استفاده می‌شود که قارون و فرعون و هامان مجازات شدند چون براهین روشن حقانیت نظام توحیدی را نپذیرفتند که برخی سنگ‌باران، بعضی دیگر با صیحه و بانک مرگبار به هلاکت رسیدند و دیگری را زمین بلعید و بعضی در دریا غرق شدند. در مورد قارون گفته شده او از بستگان نزدیک حضرت موسی (ع) از بهترین قاری-های تورات و یکی از هفتاد نفر انتخاب شده برای ملاقات با مدیر ازلی بود؛ اما بعد از به دست آوردن ثروت بی‌حساب به مخالفت به باورهای توحیدی و نظام موسی

برنامه‌ی راهبردی حضرت موسی (ع) برای مبارزه با فرعون...



پرداخت و عاقبت در اثر زلزله‌ای، زمین دهان باز کرد، او و اموالش را در خود فروبرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۶/۱۷).

۴. شیوه‌های اجرا و پیاده‌سازی برنامه‌ی راهبردی توسط حضرت موسی (ع)

حضرت موسی (ع) هم برنامه و راهبردها را خوب طراحی و تدوین کرد و هم در راستای تحقق چشم‌انداز توحیدی با سنجش شرایط و مقتضیات با بهترین شیوه‌ها به اجرا درآورد. با عنایت به این که کلیم خدا دشمنان پرقدرتی مرکب از مثلث زور، زر و تزویر داشت اما بسیار خوب مدیریت کرد. فرعون در مصر مظهر زور و قدرت بود و با برتری جوی مردم را گروه‌گروه ساخته و به ضعف و ناتوانی کشانده بود چنان که در قرآن کریم در این باره می‌خوانیم: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يذَّبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ (قصص، آیه ۴)». هامان وزیر فرعون مظهر تزویر و طرح‌های شیطانی بود (قصص، آیه ۳۸) او در دستگاه حکومتی فرعون نقش کلیدی داشت و سپاهیان نظام ستم فرعونی تحت فرمان او بودند (چابکی و دیگران، ۱۳۹۴: ش ۱، ۱۶۸). قارون از قوم خود موسی و مظهر زر و ثروت بود، اندیشه‌ی مادی و اندوخته‌های فراوان مغرورش ساخت و دشمن موسی شد (قصص، آیه ۷۶-۷۸).

سامری نیز که شخصی بت‌پرست به نام «موسی بن مظفر» از سرزمین عراق بود و در دوران رسالت حضرت موسی به مصر آمد و به وی ایمان آورد و بعدها به سامری شهرت یافت (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۹۴) و مظهر تزویر بود. چنانکه در غیاب حضرت موسی از ضعف فکری بنی‌اسرائیل سوءاستفاده کرد و بساط گوساله‌پرستی را گسترده «أَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ (طه، آیه ۸۵)»؛ «فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَ إِلَهُ مُوسَى قَنَسِي (طه، آیه ۸۸)». با عنایت به ویژگی‌های رقبا و شرایط و اقتضائات حضرت موسی (ع) به این مسئله در مبارزات خود توجه جدی داشت. «کسانی که با الفبای دانش مدیریت آشنایی داشته باشند می‌دانند که سبک به معنای تعبیر و تفسیر



خاصی است که شیوهی عملکرد مناسب را ایجاب می‌کند» (رضائیان، ۱۳۸۶: ۲۶). در این علم سبک‌ها و روش‌های زیادی برای پیاده‌سازی برنامه‌ها وجود دارد و هر کدام با عنایت به شرایط و موقعیت‌ها کاربرد پیدا می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که سبک هدف‌گرا، سبک عضو‌گرا، سبک مدارا یا میانه‌روی شهرت زیادتر دارند. کلیم خدا که با موقعیت‌های آشفته و سیاسی و فرهنگی زیادی روبه‌رو بود در هر زمان برای پیاده‌سازی برنامه‌های خود با سنجش شرایط و اقتضائات از مناسب‌ترین شیوه بهره می‌گرفت و در اینجا به مهم‌ترین‌ها اشاره می‌شود.

۱. سبک مدارا

کلیم خدا برای هدایت فرعون که مظهر قدرت و زور و تداوم‌بخش نظامی بود که انبوهی از مردم را حدود ۴۳۰ سال به خواری کشانده بود (جزایری، ۱۳۹۰: ۶۱۷) بیشتر از سبک مدارا، گفتار نرم و رشد محور مؤلفه‌های انگیزه‌بخش (تنبیه و تشویق) بهره گرفت. آن حضرت وقتی به سراغ فرعون رفت این‌گونه به دعوت آغاز کرد: آیا می‌خواهی پاکیزه شوی؟! و تو را به سوی پروردگارت هدایت کنم تا از او بترسی و گناه نکنی؟ «هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ * وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ (نازعات، آیه ۱۸-۱۹)» و نیز در گفتگوی که با فرعون داشت از همین شیوه بهره گرفت.

وقتی فرعون گفت: (مَنْ رَبُّكُمْ يَا مُوسَىٰ) (طه، آیه ۴۹) « کلیم خدا با منطق متقن و منعطف پاسخ داد: «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ (طه، آیه ۵۰)» و در ادامه‌ی گفتمان فرعون پرسید «پس تکلیف نسل‌های گذشته چیست؟! «فَمَا بِالْأَقْرُونِ الْأُولَىٰ (طه، آیه ۵۱)» حضرت کلیم‌الله پاسخ داد: آگاهی مربوط به آن‌ها، نزد پروردگارم ثبت و ضبط است (عنکبوت، آیه ۳۹، غافر، آیه ۲۴، طه، آیه ۹۵-۹۷).

۲. سبک عضو‌گرا

حضرت موسی (ع) از سبک عضو‌گرا نیز در مقابله با فرعون بهره گرفت. چنان‌که همراه با وزیر خود حضرت هارون به سراغ او رفت و گفت: «أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ



وَلَا تُعَذِّبُهُمْ (طه، آیه ۴۷؛ شعراء آیه ۱۷)؛ بنابراین شیوهی او این بود که در مقابل زور بیشتر از سبک مدارا و مشارکت بهره گیرد.

۳. سبک مقتدرانه و هدف محور

کلیم خدا برای مبارزه با تزویر که فکر و فرهنگ مردم را دگرگون می کند از شیوهی مقتدرانه و هدف محور استفاده کرد. چنان که به سامری دستور اخراج صادر کرد و او را از پایگاه و جایگاه اجتماعی و ارتباطات طبیعی با مردم محروم ساخت «فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ ... (قصص، آیه ۹۷)» و به گوساله پرستان بنی اسرائیل نیز خطاب کرد: «بِسْمَا خَلَقْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي (اعراف، آیه ۱۵۰)» و دستور مقاتله صادر فرمود «فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ (بقره، آیه ۴۵)».

۴. سبک نرمش قهرمانانه

برای هدایت قوم بیشتر از سبک نرمش قهرمانانه بهره گرفت. چنان که در قرآن کریم می خوانیم در برابر آن همه بهانه جویی و لجاجت های بنی اسرائیل با شکیبایی به هدایت آن ها می پرداخت و می فرمود: «يَا قَوْمِ لِمَ تُوذُّونَنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ (صف، آیه ۵)» و به نظر می رسد براساس همین سبک افراد مستعد سعادت را هدایت کرد: «فَعَلَبُوا هِنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ ... قَالُوا ءَأَمَّنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ * رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ (اعراف، آیات ۱۱۹-۱۲۲)».

۵. سبک مشارکتی

حضرت موسی (ع) برای اصلاح امور بیشتر سبک مشارکتی را به کاربرد چنان که به حضرت هارون فرمود: «اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ (اعراف، آیه ۱۴۲)» و نیز از سبک قاطعانهی هدف محور در برخورد با هارون استفاده کرد «أَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ (اعراف، ۱۵۰)»؛ «يَاهَارُونَ مَا مَنَّكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا * أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَ فَعَصَيْتَ أَمْرِي (طه، آیه ۲۳-۲۹)» و حضرت هارون نیز خود را مسئول دانست و پاسخ قانع کننده ارائه داد و گفت: «أَبْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي (اعراف، آیه ۱۵۰)» و نیز فرمود: من آزمون الهی را به آنان گوشزد کردم و گفتم: «يَا قَوْمِ إِنَّمَا



فُتِنْتُمْ بِهِ (طه، آیه ۹۰)؛ اما گوش نکردند و گفتند: ما به پرستش گوساله ادامه می‌دهیم تا موسی به سوی ما بازگردد «لَنْ نُبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ (طه، آیه ۹۱)».

۶. سبک حمایتی

حضرت موسی (ع) در دفاع از مظلوم و ارزش‌های بنیادی به گونه‌ای از حق‌به‌جانب‌ها حمایت داشت که به تصریح کلام وحی وقتی در هنگامه‌ی خلوتی به شهر رفت و دید دو مرد باهم به قصد نابودی یکدیگر زدوخورد دارند، یکی از پیروانش و دیگری از دشمنانش بود، آنکه از پیروانش بود «مِنْ شِيعَتِهِ» مورد ستم واقع شده بود یاری خواست و موسی (ع) به یاری وی شتافت و به قصد تنبیه مستی بر دشمنش «مِنْ عَدُوِّهِ» زد که در دم جان داد «...فَوَكَزَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ (قصص، آیه ۱۵)». هم‌چنین از آیات مرتبط با ماجرای گاو بنی‌اسرائیل و شیوه‌ی پیاده‌سازی طرح نجات بی‌گناه و بی‌گناهان و رسواسازی فتنه‌گران توسط حضرت موسی (ع) نکات مدیریتی و آموزنده فراوانی در حوزه‌ی بهانه‌جوی‌های بی‌اساس این مردم، سعه‌ی صدر کلیم خدا و شیوه‌های پیاده‌سازی برنامه دارد که تحلیل و تبیین با بسته‌ی آن نیازمند یک مقاله‌ی مستقل مستوفاست (بقره، آیات ۶۷-۷۱).

به‌رحال کلیم خدا بر اساس نظام ارزشی توحیدی و به اقتضای شرایط، وضعیت‌ها و نیازها از شیوه‌های متعددی برای اجرا و پیاده‌سازی طرح، برنامه و راهبردهای رها بخش از انحراف‌های بینشی و نگرشی و جهت‌دهنده‌ی عملکردها در راستایی تحقق اهداف بهره گرفته است. ایشان در کنترل عملکردها عنایت ویژه به آگاهی بخشی از نظارت الهی داشت تا هم انگیزه توحیدی در نیروها ایجاد کند و هم آن‌ها را متوجه نظارت مدیر ازل‌ی نماید و هم با بهترین سبک اقدام به از میان بردن انحراف‌ها، اصلاح امور و رفع مشکلات داشته باشد (بقره، ۶۷-۷۱). او برای رسیدن به این مطلوب در طول دوران مدیریت خود فعالیت‌های بی‌وقفه و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر داشتند و در جای جای این پژوهش به متناسب به مباحث به برخی از مهم‌ترین‌ها اشاره



رفت و دیگر مجالی برای بیان بیش از آن، در این مقاله نیست.

نتیجه‌گیری

از جستارهای انجام‌شده در حوزه‌ی برنامه‌ریزی استراتژیک حضرت موسی (ع) از منظر قرآن به رهیافت‌های متعددی دست یافتیم. یافته‌ها نشان می‌دهد که بر اساس آموزه‌های وحیانی حضرت کلیم‌الله دارای برنامه‌ریزی جامع بوده است. آن حضرت طرح کلانی داشت که با ابتدا به مفروضات بنیادین و با عنایت به شناخت کاملی که از محیط داخلی و خارجی نظام استبدادی فرعون‌ی داشت؛ توانست فرصت‌ها و تهدیدهای برونی، قوت‌ها و ضعف‌های درونی را شناسایی کند و راهبردهای مطلوب را طراحی و تدوین نماید و در یک فرایند منطقی گام‌های آن را عملیاتی سازد. از آنجاکه پیاده‌سازی صحیح و مطلوب برنامه‌ها نیازمند تبیین اندیشه، تشکیل گروه منسجم و کادر سازی است، حضرت موسی (ع) به این مسئله اهتمام خاص داشته و برای رسیدن به اهداف توحیدی در دالان استراتژیک جهت مبارزه با نظام‌های الحادی بر اساس شرایط و اقتضائات از سبک‌های عضو گرا، مشارکتی، مدارا و نرم‌خوی، مقتدرانه و هدف محور، حمایتی و نرمش قهرمانانه را مدنظر داشته و برای سنجش عملکردها، تشویق و تنبیه عادلانه و نیز بسیج‌سازی نیروها از شیوه‌های نظارتی گذشته‌نگر، آینده‌نگر، مستقیم و غیرمستقیم بهره گرفته است. او با برنامه‌ی جامع خود توانست راهبردهای راهگشایان و کوبنده‌ی باور و عمل رقبا را مادی‌گرا و منکر حق و حقیقت ارائه دهد و بر همین اساس به مبارزه پردازد و جهت‌تثبیت و نهادینه‌سازی اندیشه‌های توحیدی و نفی شرک و بت‌پرستی، بایبان وقایع جاذب و اقامه‌ی دلیل و برهان قاطع وجدان‌ها را بیدار ساخت و به سمت استقلال، آزادی، تزکیه و تعلیم ترغیب کرد. او با پاسخ‌گویی به پرسش‌های گوناگون انگیزه‌ی پیروی از حق و نفرت از باطل و انزجار از مستکبران را در افکار، گفتار و رفتارهای دیگران نیز ایجاد کرد و سرانجام زمینه‌ی شکست و فروپاشی نظام‌های سیاسی، اقتصادی و صنعتی مخالف ارزش‌های توحیدی را فراهم ساخته و نظام توحیدی را ایجاد و استقرار بخشید.



منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

الف) منابع فارسی

۱. احمدی، علی، همکاران (۱۳۹۰). نگرشی جامع بر مدیریت استراتژیک، تهران، انتشارات تولید دانش.
۲. ابونصر، محمد بن عبدالجبار (۱۳۳۲). تاریخ یمنی، ترجمه علی قویم، ج ۱ تهران، چاپ سربی.
۳. امیری، محمد (۱۳۹۶). مدیریت راهبردی حضرت یوسف (ع) و حضرت موسی (ع) در قرآن، قم، جامعه المصطفی العالمیه (پایان نامه کارشناسی ارشد بارانهای دکتر عباس شفیعی).
۴. برایسون، جان. فارنوم کی. الستون (۱۳۸۹). خلق و پیاده سازی برنامه ریزی راهبردی، ترجمه سید محمد اعرابی، مصطفی تقی زاده قمی، تهران، مهکامه.
۵. پیروز، علی آقا، عباس شفیعی و دیگران (۱۳۸۸). مدیریت در اسلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. جان ای. پیرز، ریچارد بی. راینسون (۱۳۹۳). مدیریت راهبردی (برنامه ریزی، اجرا و کنترل)، ترجمه دکتر سید محمود حسینی، تهران، سمت.
۷. جانتان، ساترلند و دیانا، کانول (۱۳۹۰). مفاهیم کلیدی مدیریت استراتژیک، ترجمه مهدی مشفق و محمد تقوی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۸. جفری اس، هریسون. کارن اچ. حان (۱۳۹۲). مبانی مدیریت استراتژیک، ترجمه سید محمد اعرابی، محمد رسول الماسی فرد، تهران، مهکامه.
۹. جوادی آملی، عبدالله «الف» (۱۳۸۸). شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، قم، مؤسسه نشر اسراء.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله «ب» (۱۳۸۹). تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء.

۱۱. جوادی آملی، عبدالله «ب» (۱۳۸۸)، تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله «ج» (۱۳۸۸). ادب فنای مقربان، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۳. جوادی آملی، «د» (۱۳۸۹). سیره پیامبران در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲). مفاتیح الحیات، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۵. جزایری، نعمت الله (۱۳۹۰). قصص الانبیاء، ترجمه صادق حسین زاده (تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم)، تهران، جوان.
۱۶. جوالیقی، ابومنصور (۱۳۸۹). المعرب. تحقیق احمد محمد شاکر، بیروت، مطبعه دارالکتب.
۱۷. جفری، آرتور (بی تا). واژه‌های دخیل در قرآن، تهران، توس.
۱۸. حمیدی زاده، محمدرضا (۱۳۹۲). برنامه ریزی استراتژیک و بلندمدت، تهران، سمت.
۱۹. هاکنبری (۱۳۸۷). یافته‌های روانشناسی، ترجمه مژگان محرم و محمد مختاریب، مشهد، سروش آدینه.
۲۰. طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲). پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۱. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام.
۲۲. دیوید، فرد آر (۱۳۹۲). مدیریت استراتژی، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از همکاران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۲۴. منوریان، عباس (۱۳۹۴). تفکر استراتژیک (مفهوم، عناصر و مدل‌ها)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۵. مودب، سیدرضا (۱۳۸۶). مبانی تفسیر قرآن، انتشارات دانشگاه قم.
۲۶. رضائیان، علی (۱۳۸۸). مبانی سازمان و مدیریت، تهران، سمت.



۲۷. رسولی محلاتی، سید هاشم (۱۳۹۵)، تاریخ انبیاء، قم، بوستان کتاب.

۲۸. خدادادیان، اردشیر (بی تا). تاریخ مصر باستان، تهران، سخن.

ب) منابع عربی

۱. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا). تفسیر التحریر و التنویر، نرم افزار جامع تفاسیر.

۳. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۲۸۶). صحیح البخاری، چاپ الامیریة بالقاهرة.

۴. حکیم، محمدباقر (۱۳۷۴). القصص القرآنی، قم، مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.

۵. حویزی، عبدالعلی بن جمعه (۱۴۱۵). تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان.

۶. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۷. طبرسی ابوعلی فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصرخسرو.

۸. طبری، محمد بن جریر (بی تا). تاریخ الطبری. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، روائع التراث العربی.

۹. صدوق، محمد بن علی بابویه قمی (۱۳۹۲). من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات اسلامی.

۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷). الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه.

۱۱. نظام، حسن بن محمد (بی تا). غرائب القرآن و راغب الفرقان، لبنان، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۱۲. سید قطب، بن ابراهیم شاذلی (۱۴۱۲). تفسیر فی ظلال القرآن، بیروت - قاهره، انتشارات دارالشروق.



١٣. سيوطى، جلا الدين (١٤٠٤). الدر المنثور فى تفسير المأثور، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى.
١٤. سجستانى، محمد (١٩٩٣). غريب القرآن، تحقيق احمد عبدالقادر، دمشق، دارطلاس للدراسات والترجمه والنشر.
١٥. فخرالدين رازى، ابو عبدالله محمد بن عمر (١٤٢٠). تفسير مفاتيح الغيب، بيروت، دار احياء التراث العربى.
١٦. مسلم بن حجاج نيشابورى (١٤١٢). صحيح مسلم، مصر، قاهره، دارالحديث. (ج منابع لاتين)

1 . FRY L. FRED AND STONER R. CHARLES, "STRATEGIC PLANNING FOR THE NEW AND SMALL BUSINESS", UPSTART PUBLISHING COMPANY, INC. 1995.

2 . LERNER L. ALEXANDRA, "A STRATEGIC PLANNING PRIMER FOR HIGHER EDUCATION", <http://www.des.calstate.edu/strategic.html>, 2002.

3 . "STRATEGIC PLANNING AND NEEDS ASSESSMENT", <http://eric-web.tc.columbia.edu/adminfinance/strategic/chzhtml>.

4 . PARNELL A. JOHN, "STRATEGIC PLANNING EMPHASIS AND PLANNING SATISFACTION IN SMALL FIRMS: AN EMPIRICAL INVESTIGATION", "JOURNAL OF BUSINESS STRATEGIES, <http://coba.shsu.edu> bs 1996.